

مشرق و خراسان

مشرق کجاست و خراسان کدام سرزمین است ؟

با توجه به اینکه «مشرق» سرزمین وسیع و پهناوری است که کلیه مناطق شرقی جهان، از کشورهای عربی خاورمیانه و حجاز گرفته تا شامات و عراق و ایران و حتی برخی از کشورهای مجاور ایران را تا سرحد «چین» نیز شامل می‌شود، باید دید منظور رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) که فرموده‌اند: «پرچم‌های سیاهی از مشرق زمین نمایان می‌شود و صاحبان آن پرچم‌ها برای دولت حضرت مهدی(ع) زمینه‌سازی می‌کنند»، از مشرق کجاست و در کدامین نقطه از نقاط جهان واقع شده و چه کشورهایی را شامل می‌شود؟

موقعیت جغرافیایی خراسان

در مورد موقعیت جغرافیایی خراسان و شهرت و مرکزیت این منطقه در روزگار گذشته، جهانگردان و محدثان و جغرافی‌دان‌های فراوانی در گذشته و حال سخن گفته‌اند، که ما در اینجا به نقل قسمتی از سخنان دو نویسنده، یکی از عصر حاضر و دیگری از قرن ششم هجری بسنده می‌کنیم:

۱۱. از نویسندگان عصر حاضر، آقای حبیب الله شاملوئی مؤلف کتاب «جغرافیای کامل جهان» درباره خراسان فعلی چنین می‌نویسد: «استان خراسان، وسیع‌ترین استان‌های ایران است، و از جمله استان‌هایی است که با دو همسایه ایران - شوروی (سابق) و افغانستان - هم مرز است. این استان از شمال به جمهوری ترکمنستان (شوروی) - از مشرق به جمهوری افغانستان، از جنوب به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان - و از مغرب به استان‌های مازندران و اصفهان و فرمانداری کل سمنان محدود است. ۱.

۲. جهانگرد نامی قرن ششم، یاقوت حموی در کتاب معروف خود به نام «معجم البلدان» درباره سرزمین خراسان چنین می‌نویسد: خراسان، سرزمین وسیع و پهناوری است که نخستین نقطه مرزی آن متصل به «عراق» است و آخرین نقطه آن تا حدود هندوستان می‌رسد، و دارای شهرهای عمده و بزرگی است که از آن جمله است: نیشابور و هرات و مرو و این سه، از شهرهای بزرگ خراسان محسوب می‌شود، و بلخ و طالقان و نسا و آبیورد، و سرخس و همه آبادیها و شهرهایی که در فواصل میان شهرهای نامبرده قرار دارد تا برسد به نهر «جیحون»، همه و همه جزء سرزمین خراسان است.

صاحب «معجم البلدان» پس از آنکه حدود مرز و بوم خراسان را مطابق نظریه خود بیان می‌کند، گفتار بلاذری، یکی دیگر از مورخان نامی (م. ۲۷۹ ق.) را این‌گونه بیان می‌دارد: «بلاذری گفته است: خراسان دارای چهار بخش است: بخش اول: عبارتست از «ایران شهر» که مشتمل است بر شهرهایی چون نیشابور و کوهستان و دو طبس و هرات، و بوشنج، و بادغیس، و طوس که اسم آن طبران است.

بخش دوم: که عبارتست از مروشاهجان، و سرخس، و نسا، و آبیورد، و مروود و طالقان و خوارزم و آمل که در بالای نهر جیحون واقع است.

بخش سوم: قسمت‌های غربی نهر جیحون است که فاصله بین آن و بین نهر جیحون هشت فرسخ است و آنها عبارتند از: فاریاب، جوزجان، طخارستان بالا، خست، اندرابه، بامیان باقلان، الج، رستاق بیل، بدخشان. و بخش چهارم: ماوراءالنهر است که عبارتست از بخاری، و شاش، و طارابند، و صغد و هوکس و NSF و روبستان و اشروسنه و سنم قلعه مقنع و فرغانه و سمرقند.

و آنگاه یاقوت حموی می‌گوید: «سخن صحیح درباره خراسان و حدود آن همان است که ما قبلاً بیان نمودیم، زیرا اگر کسی شهرهای دیگری را غیر از آنچه ما گفتیم به خراسان نسبت دهد به خاطر آنست که آن شهرها، جزء قلمرو حکومت خراسان و تحت نفوذ و حیطة تصرف والی و حکمران خراسان بوده، و آن شهرها زیر نظر او اداره می‌شده و نام خراسان، همگی آن شهرها را در بر می‌گرفته است.»

سپس می‌گوید: از شریک بن عبدالله روایت شده که وی گفته است: «خراسان، جعبه تیرهای خداوندی است که هرگاه بر ملتی غضبناک شود به وسیله «خراسانیان» آنها را سرکوب می‌کند و همچنین می‌گوید: در حدیث دیگری وارد شده است که هیچ پرچمی از خراسان برای نبرد بیرون نیامده است که برگشته باشد، نه در جاهلیت و نه در اسلام، مگر اینکه به هدف خود رسیده است». سپس یاقوت حموی صاحب کتاب «معجم البلدان» بعد از مدح و تعریف مردم خراسان به دنبال سخنان خود چنین می‌گوید: «گروهی ندانسته و از روی نادانی به عیب‌جویی مردم خراسان پرداخته، می‌گویند: آنها مردمانی پست و بخیل‌اند و این سخن بهتانی بزرگ به مردم خراسان است. در کجای عالم می‌توان کسانی را یافت که مانند مردم خراسان باشند و حال آنکه افرادی مانند بخاری، قشیری، ترمذی، غزالی ۲ و حاکم نیشابوری دانشمندانی از اهل فقه و حدیث از میان آنها برخاسته‌اند.» نسبت دادن دانشمندانی چون بخاری، ترمذی و امثال آنان به مردم خراسان با آنکه بخاری از اهل بخارا و از سرزمین ماوراءالنهر است، به لحاظ همان شهرت و موقعیت حسّاس سرزمین خراسان بوده است که اعراب و مسلمانان در هر دوره و زمانی آن را مساوی با شرق یا مشرق می‌دانسته‌اند، وگرنه هیچ دلیل دیگری در کار نبوده است.

به طور خلاصه، هم اکنون نیز استعمال لفظ مشرق و خراسان در مورد ایران در اصطلاح عرب حجاز و شام و عراق، شایع و رایج است، با این تفاوت که لفظ «خریسان» که مراد از آن همان خراسان است در زبان عرب حجاز و روستانشینان عراق مصطلح است، و نام مشرق در زبان مردم شام رواج دارد.

در هر حال، مشرق و خراسان، دو نام مترادفی است که علی‌رغم نام‌گذاری جدید از قدیم الایام تاکنون درباره کشور ایران، استعمال می‌شده و تاکنون هم، استعمال هر دو لفظ، یعنی: مشرق و خراسان، در زبان ساکنان حجاز و مردم عراق، رایج است و اما غربی‌ها، نام خراسان در نزد آنها آوازه و شهرتی ندارد بلکه آنها ایران را به نام «پارس» و «پرسا» یا «پرشیا» می‌شناسند و البته علت آن هم دوری آنها از این منطقه می‌باشد، و لذا آنها مناطق شرقی دنیا را به سه بخش: خاورمیانه، خاور دور و خاور نزدیک تقسیم نموده و مناطقی را که در طرف شرق آنها واقع شده و نسبت به کشورهای آنان نزدیک‌تر بوده است، به نام خاور نزدیک و مناطقی را که نسبت به آنها بعد بیشتر داشته، مانند عربستان، شامات، عراق و ایران به نام خاورمیانه و مناطقی را هم که نسبت به آنها

خیلی دورتر بوده است به نام خاوردور، نام گذاری کرده‌اند.

پی نوشت ها:

۱. جغرافیای کامل جهان، ص ۱۲۳.

۲. معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۳، ماده «خراسان».

منبع: ماهنامه موعود شماره ۱۰۴.